

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۰۴ جنوری ۲۰۲۳

جنگ نیابتی بین "طالب" و "آی. اس. آی."

(۲)

سه شنبه ۱۳- جدی ۱۴۰۱- کابل: هر چند به ارتباط جنگ نیابتی بین "طالب" و "آی. اس. آی." که در واقع جنگ بین مخلوق با خالق است، با تفصیلاتی که در نگاشته روز گذشته ارائه شد، فکر می نمودم توضیح بیشتر لازم ندارد، مگر از یک جانب سؤالاتی را که تعدادی از خوانندگان عزیز مطرح نموده اند و از جانب دیگر داغتر شدن مسأله در طی دیروز و امروز، وادارم ساخت تا با زهم به قضیه برگشته، در برخی از نکات روشنی بیشتر ببندام:

۱- این که نوشته بودم در بیشتر از ۴ دهه بستر جنگ نیابتی منطقه همیشه افغانستان بوده، بدان معنا نیست که حاکمیت ها در افغانستان نمی خواستند، این بستر جنگ را به داخل پاکستان انتقال دهند، بلکه بدان معناست که آنها نتوانستند و قادر نشدند علی رغم تمام کوشش هایشان به این کار توفیق بیابند.

به صورت نمونه می توان از تلاش های ناکام سوسیال امپریالیسم شوروی و نوکران خود فروخته اش در این زمینه مثال داد. لازم به مراجعه به کتاب و یا کدام رساله تحقیقی نیست تا به عمق تلاشهای نوکران روس و ارتش اشغالگر شوروی در این زمینه پی برد، کافیت هر یک از ما که سن و سال ما اجازه یادآوری آن دوران را می دهد، به حافظه خود مراجعه نمائیم. حتماً به خاطر خواهیم آورد که نه تنها شهر کابل تفرجگاه تمام فراریان آن طرف سرحد شده هر چه "خان دوسره" بود یا در "کارته سه" و یا "وزیر اکبرخان" با بودجه خاد شاهانه زندگانی می نمودند، بلکه حاکمیت پوشالی "ببرک - نجیب" با دعوت و سازماندهی و حمایت مستقیم از پسر "ذوالفقار علی بوتهو" در کابل و تشکیل باند "ذوالفقار" به وسیله وی و انجام یکی دو عملیات ناکام در داخل پاکستان به وسیله آن باند و عمال خاد، سخت کوشیدند تا بستر جنگ را به پاکستان نیز منتقل نمایند. مگر همان طوری که دیدیم آن تلاشها هیچ نتیجه ای نداده نه تنها "خاد خارجی" و وزارت سرحدات افغانستان قادر نشدند ه وسیله "خان های دوسره" حرکتی را در خیبر پختونخواه آغاز نمایند، بلکه گروه "ذوالفقار" را نیز اولتر از همه دختر بوتهو، "بی نظیر بوتهو" در ازای کرسی صدارت آن کشور فروخته، با بردن جسد برادرش به قبرستان، بر آن حرکت نقطه پایان گذاشت.

۲- این که جهادی ها و طالب نه می خواستند و نه می توانستند چنین انتقال بزرگی را سازماندهی نمایند، باشد سرچایش؛ مگر وقتی امپریالیسم امریکا و شرکاء افغانستان را اشغال نمودند به خصوص بعد از سال ۲۰۰۴ که جنگها در افغانستان از سر گرفته شد، می بینیم که از یک جانب امریکا با تکیه بر سیاست همیشگی اش که "صدور بحران به

منظور کنترل بحران" است خواست با تعقیب تعدادی از طالب های افغانستان که به پاکستان پناه می بردند آنها را در همانجا سرکوب نماید و از جانب دیگر دولت پاکستان به چهار دلیل خودش "تحریک طالبان پاکستان" را به وجود آورد، یعنی در کنار آن که می خواست تمام حمایت ها و پشتیبانی تسلیحاتی و لوژستیک خودش از طالب افغانستان را به گردن "تحریک طالبان پاکستان" بیندازد و از طالب پاکستان در مداخلات تجاوزکارانه در هندوستان به خصوص منطقه کشمیر سوء استفاده کند، حرکت آنها را بهانه ساخته با اعزام اردوی پاکستان به مناطق سرحدی "پختونخواه" و تمام صوبه سرحد، در پناه ارتش امریکا و بی عملی حاکمیت پوشالی کابل "کرزی و غنی احمدزی"، خط فرضی دیورند را به یک واقعیت عملی نیز مبدل بسازد. چهارمین دلیل دریافت میلیارد ها دالر پول نقد و تسلیحات از امپریالیسم امریکا به بهانه مبارزه علیه تروریسم بود.

سیاستی را که در آن مقطع پاکستان به خصوص "آی. اس. آی." در قبال "تحریک طالبان پاکستان" استفاده می نمود در عین حالی که بسیار روشن بود بسیار گمراه کننده نیز به نظر می رسید. یعنی دولت پاکستان در عین حالی که خود از طریق و به دست طالبان افغانستان، به تحریک طالبان پاکستان کمک می رسانید، خود نیز آنها را مورد تعقیب قرار داده، در برخی موارد ضرباتی را بر آنها وارد می نمود. ضرباتی که عمدتاً به جای نابودی، برای شان عزت و آبرو و اعتبار خلق می نمود.

۳- مسأله ای که اکنون تا حد زیادی پیچیده شده است، روابط خارجی "تحریک طالبان پاکستان" می باشد. این معلوم نیست که آیا آنها صرف با طالب و نظام ملاسالار رابطه دارند و یا قدرت های منطقه ئی و جهانی نیز با آنها در رابطه قرار گرفته اند. هرگاه این روابط محدود به رابطه با طالب افغانستان باشد مسلم است که نظام ملاسالار در کنترل و رهبری و استفاده ابزاری از آنها دست بالا خواهد یافت و هر زمانی که خواسته باشد با گرفتن امتیازات معینی همه را به دولت پاکستان تسلیم خواهد داد مگر در صورتی که پای کشورهای دیگری به خصوص امپریالیسم امریکا و هند در میان باشد، باید بپذیریم که غرب نقشه های بزرگتری برای منطقه تا سرحد تجزیه پاکستان و احتمالاً تغییر نقشه سیاسی منطقه را در برنامه های شان دارند.

۴- اما به ارتباط انتقال جنگ نیابتی در پاکستان به وسیله طالب، بادر نظر داشت این که در چنین جنگهایی همیشه توده های میلیونی کشور ها قربانی می شوند، مسلم است که هیچ وجدان سالمی آن را نمی خواهد، مگر این واقعیت که دولت پاکستان یکی از بدترین همسایه های روی زمین است و تجربه نان داده است که به هیچ قیمتی به غیر رویه بالمثل و انتقال میدان جنگ به خاک خودش، حاضر نیست از مداخلات تجاوزکارانه اش در کشور های همسایه خودداری نماید، انتقال بستر جنگ به پاکستان به یک ضرورت تلخ و ناگوار مبدل می گردد که می باید برای رام ساختن دولت پاکستان بدان روی آورد.

هموطنان گرامی!

این را باید بدانیم که اگر همین امروز به جای دولت ضد ملی و ضد انسانی طالب، مترقی ترین دولت به وسیله نیروهای انقلابی به وجود آمده در آن "دموکراسی نوین" با تمام اجزایش در بهای ترقی و شگوفائی و همزیستی برادرانه بین تمام اقوام و همسایگان را نیز بگشاید، دولت پاکستان به اساس همان دیدگاه ستراتیژیکش نسبت به افغانستان یک لحظه از مداخله به منظور تضعیف آن دولت خودداری نخواهد ورزید. تنها چیزی که خواهد توانست نظامیان و بورژوازی توسعه طالب و تمامیتخواه پاکستان را از مداخلات تجاوزکارانه باز دارد، رویه بالمثل می باشد. دولت پاکستان باید به تجربه دریابد که "مشتش را زما مستی جوابه"؛ فقط در چنین صورتیست که از مداخله خودداری خواهد ورزید.

هموطنان گرامی!

پاکستان خودش به تجربه دریافته است که افغانستان کشوری نیست که با ۴۰-۵۰ سال جنگ داخلی و خونریزی تجزیه شود، مگر این را هم می داند که پاکستان ظرفیت آن را ندارد تا برای یک دهه جنگهای داخلی از نوع درگیری های قومی و مذهبی را تحمل نماید، از همین رو با افزودن فشار بر آنها و انتقال میدان جنگ به داخل پاکستان، دولت پاکستان برای بقایش ناگزیر خواهد شد تا از دست درازی و تروریست پروری دست بردارد و به خلقهای منطقه امکان دهد تا برادروار در کنار هم زیست نمایند.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!